

عارف رشید

از دنمارک

## مروری به مبارزات داد خواهانه زحمتکشان جهان

### و روز های ملی و بین المللی آنها

اندیشه ها و ایدیالوژی که مدافع منافع زحمتکشان باشد هیچگاهی به هیچ کشور و جامعه یی بیگانه و خارجی بوده نمیتواند و تنها این آیدیالوژی ها موفق و منشاء طبقاتی داشته و مخالف طبقات حاکم ستمگر و اقلیت و مخالف کاپیتالیزم انحصارات سرمایه داری و امپریالیزم جنگ افروز و غارت گر ثروت های کشورهای عقب نگهداشته شده (کشورهای جهان سوم) است.

انسانها همیشه در جستجو و تلاش زنده گی بهتر و آسوده تر برای خویش میباشند. تا بتوانند آزادانه با غرور انسانی، با عزت، راحت و با مستفید بودن از تمام مزایا و آفریده های نعمات مادی زنده گی خویش را پیش ببرند. این آرمان انسان ها طی ادوار و قرون متمادی به اشکال و شیوه های مختلف تبارز کرده است و در برابر گروپ های اقلیت جوامع که در حاکمیت دولت و زمام قدرت دولتی و حاکم برنظام و حاکمیت سرمایه قرار داشتند و به خاطر بقای حاکمیت جابرانه و غیر عادلانه و طبقاتی خویش هم انواع ظلم، بی عدالتی و استثمار را بالای اکثریت نفوس جوامع که آفریده گان نعمات مادی هم بوده اند وارد کرده و جوامع رادر ساختار و سیستم یا نظام طبقاتی حفظ و بقاء بخشیده اند. این دو پدیده در طی زمان با ویژه گیهای آشتی ناپذیری، تضاد بودن و در مبارزه حاد طبقاتی در برابر همدیگر قرار داشته و پیش رفته است، بناً تخیل جامعه عادلانه یا نظام عاری از طبقات، رژیم و نظام دموکراتیک با تساوی حقوق همه اتباع آن در خط مشی خواسته های و تقاضاهای زنده گی انسان های مبارز و عدالت پسند قرار داشته و در این راستا صد ها انسان به خاطر تأمین و تحقق این اهداف جان های خویش را قربانی کرده اند که میتوان در این عرصه از مبارزه و قیام های برده گان به خاطر نجات و آزادی انسان از بند اسارت و برده گی از جمله قیام بزرگ برده گان به سر کرده گی اسپارتاکوس نام برد و همچنان ده ها قیام های دیگر در دوره های مختلف تاریخ که این مبارزات مشخص و مربوط به یک بخشی از انسانها در یک مقطع زمان و تاریخ نبوده بلکه متعلق به همه جوامع بشری بوده و افتخارات مبارزات همه انسان های تحت ستم و

تبعیض طبقاتی، سیاسی، نژدای و غیره به منظور رهایی و نجات شان در دوره های مختلف تاریخ را در بر می گیرد. به جاست که همه ما باید به مبارزات آن انسانهای پیشرو و مبارزات شان و دستاورد های را که به زنده گی بشریت به ارمغان آورده اند ارج بگذاریم.

در این قسمت به یاد میآوریم نظرهای دو دانشمند فرانسوی به نام های سن سیمونت و فوریه را که طی قرن ۱۷ میلادی زیسته اند و اولین بار مفکوره شان را در باره یک نظام ایده آل عادلانه که شایسته زنده گی واقعی انسان ها میباشد به نام جزیره ایتوپیا یا جزیره تخیلی که در آنجا طبقات وجود ندارد، ظلم و بی عدالتی بالای انسانها انجام نمی یابد، هرچیزیکه در محیط طبیعت و جامعه وجود دارد متعلق به همه اعضای جامعه میباشد، هر کس میتواند از آن بدون امتیاز و تفاوت طور عادلانه و یکسان استفاده کند، هیچ برتری یکی نسبت به دیگری وجود ندارد و هیچکس حق تعرض، تجاوز و اعمال زورد را بالای دیگران دارا نمی باشند.

این دو دانشمند برای مجسم ساختن این نظریات تخیلی خویش کوشیده اند تا مدل های جامعه را طرح ریزی کنند. مگر در عمل غیر ممکن بود. زیرا بدون انقلاب اجتماعی که در قدم نخست باید قدرت دولتی و حاکمیت نظام به مردم تعلق گیرد یعنی انتقال قدرت از طبقه حاکم مستبد بیروکرات به اراده مردم صورت گیرد، باید جامعه و نظام اجتماعی دگرگون شود و حاکمیت مردم را به دست و اراده مردم به وجود آورده، تأمین و تضمین کند و مردم خود با اراده اکثریت حق تصمیم گیری را به طور آزاد و دموکراتیک در همه عرصه های زنده گی خویش به طور عادلانه دارا باشند، همه دارایی های موجود در کشور به مردم تعلق داشته باشد و توزیع آن بالای همه یکسان و به طور عادلانه صورت گیرد. در غیر آن تنها با افکار، نظریات و پیشکش کردن تیوری و تجسم تخیلی از جامعه دلخواه انسانی که در وجود آن همه خواست های شان طبق قانون و نظم جامعه و حق مسلم زنده گی تضمین و برآورده گردد، ممکن و میسر نخواهند بود.

این دانشمندان بار اول به حیث اندیشمندان سوسیالیسم تخیلی شناخته شدند. نظریات و تیوری های ارائه شده ایشان مورد دلچسپی و توجه انسانهای عصر شان و همچنان نسل های بعدی قرار گرفت.

البته در ادوار مختلف مبارزه انسانها به شیوه های متفاوت جریان داشته گاهی واکنش و عکس العمل های شان طور آرام و با مطرح کردن خواست و اهداف شان به نظام های حاکم بوده و زمانی هم متصل به اعمال و اقدامات مسلحانه بوده است.

مدرن شدن زنده گی، پیشرفت و دست‌آورد های انسانها در عرصه های مختلف تخنیک و تکنالوژی وسایل معیشت زنده گی به رفع مشکل انسانها غرض تخفیف و زدودن فقر، محرومیت ها، تقلیل تفاوت های زنده گی اقشار و طبقات، تبعیض نژادی، ستم طبقاتی و رفع استثمار و بهره جویی از کار انسانها و ده ها پرابلم دیگر نه انجامیده و نه کاسته است و انسانها باز هم در دوره های مختلف به دشواری های زیاد زنده گی به مقیاس و حدود متفاوت روبرو بوده و همیشه در رنج و بدبختی بسر برده اند.

یکی از پرابلمها را که تخنیک و تکنالوژی مدرن کار به زنده گی کاری انسانها افزوده است، اشغال محل کار و موقعیت کار انسانها در کار کردن در پروسه کار و تولید ماشین ها میباشد. با کمپیوتری شدن کار یک دستگاه میتواند کار چند انسان را همزمان و به سرعت بیشتر انجام دهد، و ضمناً هم کار را بالای آنده کارگرانی که در پروسه کار در عقب یا جلو دستگاه قرار دارند بیشتر میسازد. پروسه جا به جا سازی دستگاه های خود کار روز افزون بوده صد ها و هزارها انسان جای کار خویش را به ماشین ها تسلیم میدهند و هر روز به تعداد کارگران بیکار و اردوی بیکاران افزوده می گردد و با مرور زمان به تدریج پروسه اتوماتیزه کردن کار و تولید توسط مالکین فابریکه ها و صاحبان سرمایه پیش میرود تا به ذهن و محاسبه شان بتوانند و منحیث نیروی کار مطمئن و به فرمان خویش همیشه و در هر حالت بدون داشتن تشویش و نگرانی در مورد خود یا اعتراض به چیزهای دیگر، ماشین را منحیث بهترین جا گزین نیروی کار انسان طور مطلق فرمان بردار در اختیار داشته باشند. در سالهای قبل که هنوز وسایل کار و تخنیک تولید مدرنیزه و اتوماتیزه نگردیده بود و انسانها با به کار برد نیروی بازو و قوه فیزیکی خویش مصروف کار و تولید بودند و با عرقریزی کار جان کاه و فرساینده را انجام میدادند.

کارگران با کار کردن در فابریکه ها و کارخانه های صنعتی بعد از مدت (۲۰ - ۲۵) سال که دیگر توانمندی کار کردن و سهم داشتن در پروسه تولید را طبق تقاضا و توقع کارفرمایان و مالکان کارخانه نداشته بناً از کار سبکدوش گردیده و بدون هیچ نوع اندوخته و تضمین آینده زنده گی، به محرومیت و فقدان وسایل و ضرورت های روزمره مواجه گردیده و با زنده گی مرگبار دست و پا زده تا اینکه پدرود حیات میگفتند و عده یی هم که از اثر کار معیوب و معلول میگردیدند بدون موجودیت بیمه صحتی و بیمه زنده گی، به حیث یک فرد معیوب به حیات خود ادامه داده و بالاخر به مواد مخدر و نوشیدن الکهول پناه برده و معتاد گردیده تا زمانیکه مرگ زودرس و قبل از وقت به سراغ شان می آمد.

در طی سه سده گذشته زمان و تاریخ وقایع مهمی را در بطن خود پرورانیده و بوجود آورده است. همچنان طوریکه میدانیم زنده گی بشریت طی سده های گذشته در شرایط بدتر و دشوارتر از امروز از لحاظ معشیت زنده گی، کاری، وسایل و افزار کار و هم حقوق و دستمزد قرار داشته است، کارگران و زحمتکشان رنج زیاد را متحمل میگردیدند، ساعات زیاد و طولانی کار می کردند ولی مزد ناچیز را بدست میآوردند.

در این بخش وضعیت زنده گی و کار کارگران امریکا را در سده های قبل مورد مطالعه و بحث قرار میدهیم. ملاحظه میشود که چقدر دشواری ها را کارگران و همه زحمتکشان امریکا متحمل میگردیدند.

قبل از اول ماه می سال ۱۸۸۶ وضع کارگران در تمام کشورهای رو به رشد و انکشاف سرمایه داری به وضعیت وخیم قرار داشت به خصوص در امریکا کارگران روزانه (۱۲ - ۱۴) ساعت در کارخانه ها با به کار برد ماشین های سنگین تولید می آفریدند و کار خیلی ها دشوار را که برای انسان ها طاقت فرسا بود انجام میدادند و در برابر مُزد بسیار ناچیز را به دست میآوردند که تکافوی زنده گی شان را نمی کرد. کارگران بارها تقاضای تقلیل ساعات کار و افزایش مُزد را نموده اند، ولی پذیرفته نشده است. در سال ۱۸۸۴ اتحادیه کارگری تحت نام اتحادیه کارگری امریکا (American Federation Labor) AFL تأسیس گردید، تا خواسته ها و مشکلات کارگران را مطرح و مدافع حقوق ایشان گردد، ولی تأثیر ثمر بخش نداشت. زیرا که در کشورهای سرمایه داری همه امکانات وجود دارد تا نماینده کارگران و رهبری اتحادیه های کارگری نماینده های واقعی کارگران، اشخاص سیاسی نبوده و همیشه مدافع سرمایه داران و شرکت های سرمایه و مؤسسات تولیدی میباشد و احياناً اگر شخص فعال سیاسی و نماینده یکی از احزاب کارگری و دارای اندیشه علمی و انقلابی طبقه کارگر باشد فرصت یا موقف نماینده گی و مسؤولیت اتحادیه کارگری برایش میسر نمی گردد، و اگر به این موقف هم از جانب کارگران انتخاب شود تحت فشار زیاد قرار داده میشود تا که نتواند خواسته ها و تقاضا های واقعی کارگران را انعکاس و عملاً تحقق بخشد و از طرفی هم به نحوی تتمع گردیده و با دادن امتیازات مفکوره ، اندیشه و اراده اش خریداری میگردد تا وسیله مانع شونده خواست های کارگران که خود نماینده گی آنها را میکند، گردد.

در شهر شیکاگو هم چنین چیزی بود، اتحادیه کارگری نتوانست تا در جهت خواسته های کارگران کدام کاری را به نفع شان انجام دهد. در نتیجه کارگران بیشتر منتظر هدایت کار فرما و وعده های اتحادیه های کارگری ننشسته و قناعت به تقلیل یافتن محدود ساعات کار نکرده و در اول می ۱۸۸۶ دست به اعتصاب گسترده زده و بالاخر به خشم آمده ماشین ها را شکستانده تا اینکه دستگاه حاکمیت جابرانه

کارفرمایان و زمام داران امور به سرکوب و زندانی کردن کارگران متصل گردیدند و خون ده ها کارگر ریختانده شد. در نهایت کار فرمایان مجبور گردیدند تا رژیم کار را به اثر فشارهای زیاد کارگران و تظاهرات کارگری به ۸ ساعت کار در روز بپذیرند. بعداً در سال ۱۸۸۶ اتحادیه کارگری فیصله به عمل آورد تا از اول ماه می به حیث روز اعتصاب کارگران همه ساله طی گردهمایی ها، راه پیمایی ها، صحبت ها و نطق های سیاسی که بیانگر خواست های کارگران و شیوه های برخورد رژیم های حاکم در برابر مردم و کارگران بوده و همچنان تحت نام جشن کارگری تجلیل به عمل آید که امروز ما شاهد برگزاری این روز توسط کارگران در سراسر جهان هستیم که از این روز بدون در نظر داشت هیچ توجهی که این روز چطور و در کجا به وجود آمده است و بدون هیچ مرز و سرحد و عاری از هر نوع تعصب در همه کشورهای جهان اعم از کشور های اسلامی، مسیحی، یهودی و در تحت حاکمیت رژیم های سرمایه داری و سوسیالیستی و حکومت های مستبد و دموکرات به طور با شکوه برگزار میگردد، و با ارج گذاری از این روز، جشن ها بر پا میشود. به این مفهوم که این روز مربوط به طبقه کارگر و همه زحمتکشان در سراسر جان است.

این روز خشم کارگران را در برابر استبداد و استثمار ایشان توسط سرمایه داران که از ریختن عرق جان شان، سرمایه داران سود میبرند و سرمایه می اندوزند نشان میدهد.

این روز جهانی و بین المللی است زیرا که مربوط به کارگران و زحمتکشان سراسر جهان است نی اینکه محض به کشورهای چون امریکا که در آن این واقعه بار نخست به وقوع پیوسته بود.

بناً این روز به هیچ کشوری و جامعه چیز وارداتی، بیگانه و خارجی نیست و وارد شده از غرب یا شرق شناخته نمیشود، و به هیچ کشوری مربوط، مخصوص و مشخص نمی گردد. و در این رابطه اندیشه و تیوری که غرض دفاع از خواستها و منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان طرح، ایجاد و تدوین گردیده است، طبقه کارگر را غرض حصول حقوق اش رهنمایی و به مبارزه و پیکار مقدس هدایت میکند. هم ایدیالوژی بیگانه، خارجی و به هیچ یک کشوری هم وارداتی نمی باشد. بلکه الهام بخش است و پیام دهنده، و انعکاس از خواستها و پرابلم های زنده گی طبقه کارگر و همه زحمتکشان در جهان بوده و همچنان طرح تحلیلی و علمی از چگونگی کار، سرمایه و تولید و به وجود آمدن ارزش اضافی یا تیوری ارزش اضافی میباشد که بار اول توسط اندیشمند بزرگ و فیلسوف علوم فلسفه و اقتصاد (کارل مارکس ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳) مطرح و توضیح گردید، و منشاء استثمار و غصب حقوق مسلم کارگران در پروسه تولید توسط سرمایه داران را افشاء و بیان داشته است و راه معقول مبارزه طبقه کارگر را در برابر استثمار

کردن، سرمایه داران نظام کاپیتالیستی و امپریالیسم جهان خوار و جنگ افروز اشغالگر، رهنمایی و هدایت کرده است.

روز بین المللی دیگر که در سراسر جهان از آن روز تجلیل و بزرگداشت یکسان به عمل می‌آید و این روز هم مربوط و مشخص به کشوری یا جامعه‌ی نمی باشد، سرحد، حدود و ملت معین را نمی شناسد روز بین المللی زن است. این روز تاریخی نیر الهام از روز زنان قهرمان از امریکا گرفته شده است و به پاس بزرگداشت از قهرمانی زنانی که در مبارزه علیه بی عدالتی، ستم و ظلم بی حد به پا ایستاده و درفش مبارزه را در برابر سرمایه داران غاصب و استثمار گر برافراشته اند در جوامع مختلف اعم از اروپایی، آسیایی، افریقایی، امریکایی و در سراسر جهان و در جوامع مختلف مذهبی و عقیده تی که در برگیرنده همه کشورهای اسلامی، عیسوی، یهودی، بودایی و سایر ادیان و پیروان طریقه ها و روشهای مختلف مذهبی میباشد، طور یکسان و با یک هدف غرض ارج گذاشتن به مبارزه زنان کارگر قهرمان و افتخار آور در امریکا است.

این واقعه تاریخی اعتصاب زنان کارگر فابریکه لباس سازی و نساجی شهر نیویورک در سال ۱۸۵۷ است که کار زیاد و طاقت فرسای روز کاری «۱۰-۱۲» ساعت کار را انجام میدادند، ولی در برابر مزد بسیار ناچیز و کم بدست می‌آوردند و به زنده گی فقیرانه و محرومیت دچار بوده و بلاخر غرض افزایش حقوق ماهانه شان دست به اعتصاب زدند که روز اعتصاب عمومی و سراسری این زنان کارگر پیشتاز مصادف به ۸ مارچ بود. در این روز زنان بارنخست د تاریخ بدون هیچگونه سازماندهی قبلی سیاسی و عدم موجودیت حزب رهبری کننده و سازمانده، اقدام به عمل داد خواهانه و مبارزه عادلانه زدند و با وجود دست های خسته از کار و شکم گرسنه در این روز گرد آمده و اعتصاب را بر پا کردند. فریاد رنج، فقر و شرایط دشوار کار خویش را به آسمانها بلندکردند و از طرف دستگاه پولیس رژیم حاکم بالای شان حمله صورت گرفت و تعداد از ایشان مورد لت و کوب قرار گرفتند و به تن های خویش زخم برداشتند و اعتصاب شان با تهاجم قهر آمیز و خشن پولیس سرکوب و متفرق گردید. دو سال بعد در سال ۱۹۰۸ به تعداد (۱۵۰۰) زن به شکل تظاهرات این روز را ارج گذاشته و از آن بزرگداشت داشتند، در ضمن خواهان برگزاری اولین کنفرانس بین المللی زنان گردیدند که بعداً کنفرانس بین المللی زنان در سال ۱۹۱۰ همزمان بابرگزاری انتر ناسیونال دوم به رهبری و سازماندهی خانم آلمانی به اسم کلارا زتکین ( Clara Zitkin) که زن دانشمند و مبارز و طرفدار اندیشه نظام اجتماعی همگانی و سیستم اقتصاد ملی بود، در شهر کوپن هاگن دنمارک در تالاری به نام خانه جوانان یا به زبان دنمارکی (Ungdom huset) نامیده

میشد برگزار گردید. در این گردهمایی بزرگ زنان اروپا تصمیم گرفته شد تا همه ساله از این روز تجلیل به عمل آید، بناً همه ساله از این روز در سراسر جهان تجلیل به عمل می آید.

این تالار بزرگ، خانه یا مرکز جوانان در طی سال ۲۰۰۶ توسط رژیم بر سر اقتدار و حاکم کشور دِنمارک به یک سرمایه دار فروخته شد و در نتیجه این ساختمان تخریب گردید که تخریب این خانه تظاهرات و اعتصابات را توأم با خشونت ها و آتش سوزی های زیادی توسط جوانان مقیم این خانه را در بر داشت. البته این خانه نی تنها مرکز تشکل و تجمع جوانان دِنمارک بوده بلکه مرکز نهضت دموکراتیک جوانان اروپا شناخته میشد و قدامت تاریخی و افتخارات بزرگ را باخود داشت و حتی گفته میشد که ولادیمیر ایلیچ لینین دانشمند و متفکر بزرگ روس و بنیانگذار اولین دولت سوسیالیستی در روسیه طی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ نیز از این مرکز و خانه جوانان دیدن کرده و با جوانان انقلابی اروپا در آنزمان در همین محل ملاقات ها داشته است و سخنرانی ها نموده است.

قابل تذکر است نام و شهرت این خانه نزد جوانان اکتویست و چپی کشور دِنمارک زنده بوده و به یاد بود این خانه با برگزاری تظاهرات ساختمان دیگری را در عوض در اختیار آورده و اکنون نیز جوانان در این محل تجمع و تشکل دارند.

همچنان حادثه دیگری که در رابطه به روز جهانی و بین المللی زن برجسته است و سبب ایجاد و ارج گذاری و بزرگداشت از روز زن گردیده است (IWP – International Women dag) میباشد که واقعه آتش سوزی تاریخی است که به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۰۹ در فابریکه (Triangle shirtwaist factory) در شهر نیویارک اتفاق افتاد. در اثر این حادثه ۱۴۰ تن زنان کارگر از جمله زنان کارگریکه در این فابریکه مصروف کار بودند جان های شیرین و زنده گی دوست داشتنی شانرا در محل کار و زیر سقف فابریکه از دست دادند و نتوانستند خویش را نجات دهند. غرض بزرگداشت و ارج گذاشتن به قربانیان این واقعه هلاکتبار به تاریخ ۸ ماه مارچ سال ۱۹۱۰ در حدود یک میلیون زن در کشور اطریش گرد هم آمده و این روز را گرامی داشتند و از آن روز مصیبتبار با ابراز اندوه و درد یادو بود به عمل آوردند و این روز را درج صفحات تاریخ زنده گی زنان جهان ساختند، به خصوص طبقه زحمتکش و رنج دیده جهان. طی تعهدات خاطر نشان ساختند که: تا همه ساله باید از این روز در سراسر جهان با تذکار از خاطرات زنده گی، کار و مرگ قربانیان که طی چنین یک واقعه مرگبار تاریخ به وقوع پیوسته است یاد بود جاویدان و گرامیداشت به عمل آید.

## مختصری در باره انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹

انقلاب کبیر فرانسه به مثابه یکی از مهمترین رویداد تاریخ است که در زمانش جهان را به لرزه در آورده بود. شرایط عینی و وقوع انقلاب به طوری پیشرفت که (Louis XVI) لویی شانزدهم (۱۷۵۴-۱۷۸۹) در سال ۱۷۷۴ به عمر ۲۰ ساله گی در فرانسه به پادشاهی رسید. وی لباس بسیار فاخر به تن مکیبرد، خوش گذران، عیاش و تنومند بود. او به زنده گی شاهانه خویش بسیار مغرور بود. ضمناً وی یک شخص بسیار حریص و پرخور هم بود، در وقت غذای صبحانه ۴ پارچه از گوشت خوک، یک مرغ، یک بشقاب مملو از یکنوع مخصوص گوشت پخته شده و ۶ دانه تخم مرغ را با محتویات دیگر آن خورده و نیم بوتل شامپاین را نیز می نوشید.

خانم لویی شانزده به اسم (Marie Antoinette) یک شاهدخت اطریشی بود که طی سال های (۱۷۵۵-۱۷۹۳) زیسته است. این ملکه نیز بسیار زنده گی با شأن و شوکت، تشریفاتی و مجلل را دوست داشت. این شهزاده گان صرف به زنده گی پر عیش و عشرت خویش مصروف بودند. به زنده گی مردم اهمیت و ارزشی قایل نبودند و نمی اندیشند، آگاهی هم نداشتند که در زنده گی مردم چی پرابلم هایی وجود دارد و چطور می گذرد. بناء بر وضعیت خراب زنده گی مردم و محرومیت ها، مردم روستاها و دهات که بیشتر تحت فشار زنده گی، کار و در برابر فقدان مواد خوراکه، سایر مواد و وسایل معشیت قرار داشتند با ابراز مخالفت و ریختن به جاده ها صدای خویش را به منظور سقوط رژیم شاهی و الغای نظام سلطنت و ایجاد یک نظام مردمی و حکومت مردم بلندکردند. لویی (Louis) بادیدن اعتراضات و خشم مردم حاضر گردید تا در برابر خواست های مردم و جلوگیری از هجوم کتلوی شان ریفورم ها را پیاده کند و با دادن وعده های دروغین و غیر عملی، مردم را فریب دهد و در ضمن به سرکوب مردم میپرداخت و در پارلمان هم هواخواهان این جنبش و انقلاب را دور کرده و مخالفین رژیم را سرکوب و نابود میکرد. مگر لویی (Louis) نمی دانست که مردم و قیام مردم او را مجبور میسازد که در نتیجه نخست تاج و سلطنت خویش را از دست خواهد داد و بعد سر خود را.

در آنزمان در فرانسه زنده گی مشکل و دشوار طبقاتی وجود داشت که جامعه متشکل از سه طبقه گردیده بود:

۱ - طبقه روحانیون که وظایف روحانیت، امور عقیده یی و دین را پیش میبرد. حقوق و امتیازات را مستفید بودند.



۲ - طبقه اشراف و مفتخوار که همه وابستگان و اطرافیان خاندان شاهی و بیروکراتهای عشرت طلب را در بر داشت و با مستفید شدن از مقدار بیشتر مالیات پرداخت شده توسط توده های عظیم مردم مصروف عیش و عشرت زنده گی خویش بودند و صرف از زنده گی خویش لذت میبردند و به کار آموزشی، تحصیل و حاکمیت نمودن بالای اکثریت جامعه و مردم اشتغال داشتند و در وابسته گی و حمایت متقابل با طبقه روحانیون قرار داشتند.

۳ - طبقه بزرگ و اکثریت مردم عوام و توده های زحمتکش بودند که کارهای طاقت فرسا و کمر شکن را انجام میدادند و عرق میریختند، تولید میکردند، عاید میآفریدند ولی قسمت بیشتر عاید خویش را با پرداخت مالیات سنگین و غیر عادلانه که در برگیرنده معادل نصفی از عاید شان بود، از دست میدادند. امکان زنده گی کردن را با خانواده های شان طوریکه شایسته و مناسب حال شان می بود نداشتند.

طوریکه تذکار رفت از زمرهٔ محصول و عاید رنج و دستمزد شان که سه قسمت می گردید یک بخش آن اختصاص برای روحانیون داشت، بخش دوم آن غرض تأمین مصارف عیش و عشرت و زنده گی های مجلل اشرافیان می گردید و قسمت سوم که حاوی یکمقدار بسیار ناچیز بود، برای مصارف زنده گی و بقای حیات و رفع نسبی نیازمندی های خانواده های شان را تشکیل میداد که هیچ گاهی کفایت کننده و کار ساز برای زنده گی شان نمی بود، تا بالاخر این وضع ناهنجار و حیات فلاکتبار آنها را مجبور ساخت تا همهٔ زحمتکشان جامعه و توده های محروم از نعمات زنده گی دست های خویش را یکی کرده و باهم فشرده ساخته و غرض سقوط دستگاه عشرت طلب متوصل به قیام گردند، که ثمره اش را نسل های بعدی به راحتی و سهولت چشیدند، ولی دریغانی آنچه آن قهرمانان و حماسه آفرینان آرزو میبردند و آرمان عالی را به دل میپرووراندند. طوریکه تذکار رفت انقلاب توسط دهقانان و روستاییان فقیر از قراء و قصبات به راه انداخته شد و به تدریج با اشتراک همهٔ زحمتکشان و کارگران در شهر ها گسترده گردید.

در ماه اپریل ۱۷۸۹ مردم خشمگین قراء و قصبات رو به شهر پاریس کرده و در ۱۴ اپریل این مردم طغیان گر با ساکنین و باشنده گان پاریس همراه گردیدند و به سرعت قیام سراسر پاریس را فرا گرفت. در ۵ می ۱۷۸۹ مردم طغیانگر سرود انقلابی و ملی خویش را به مناسبت ظفر و پیروزی شان بر ارتجاع و حاکمیت سلطنت سرودند، که چون این سرود بنا بر خواسته های مردم بود و انعکاس از آرزو های دیرینه

شان. بناً به حیث سرود مردمی و ملی آن زمان پذیرفته شد و که بعد ها نیز این سرود چون سرود ملی در قلب مردم ، تاریخ و زمان فرانسه الی اکنون باقیمانده است.

در ۱۷ جون ۱۷۸۹ آن توده های نیرومند که اکنون پشتیبانی و حمایت همه مردم و طبقه خویش (دهقانان، کارگران و همه زحمتکشان) از سرتا سر فرانسه را با خود دارند، چون از قبل ارگان و یا سازمانی را غرض تنظیم مبارزه و فعالیتهای خویش نداشتند تحت نام مجمع ملی گرد آمدند، و این نام را بالای تشکل خویش گذاشتند که بعداً به این نام مسمی گردیدند.

بتاریخ ۱۴ جولای ۱۷۸۹ این مردم به خشم آمده بالای زندان باسطیل که در زمانش از بدنامترین و مخوف ترین زندان های اروپا شناخته میشد ، یورش برده و آنرا به سرعت در اشغال در آورده، زندانی ها را از بند آزاد و زندان را به آتش زده و تخریب نمودند.

توده های خشمگین بعد از دستگیری لویی (LOUIS) شانزدهم و سقوط دستگاه سلطنت و سرکوب اطرافیان و وابستگان سلطنت و اشراف، نظام جدید حاکمیت مردم را تشکیل و تصمیم رهبری جمعی و شورای مردم را ایجاد و از طریق کمون خویش تمام اجراءات نظام نوین انقلاب را رهبری مینودند.

نظامی را که این انقلاب به وجود آورد به نام کمون پاریس در تاریخ نامیده شده و طی (۷۲-۹۰) روز که این نظام نوین به شیوه حاکمیت واقعاً مردمی زمام را به دست داشتند. مگر به تأسف این اولین تحرک ملی و قیام کاملاً توده یی و مردمی که به صورت طبیعی به تکامل و پیروزی رسید و چون اولین خورشید تابان انقلاب درخشید. بعد از مدت کوتاه به نزول و سقوط انجامید و هزارها انسان پیشتاز تاریخ روند انقلاب در نخستین مرحله آزمایش تاریخی شان به قربانی و نابودی کشانیده شدند. علت اصلی و سبب اساسی شکست و نابودی انقلاب جنوری فرانسه بعد از پیروزی کوتاه مدت و نو بنیاد، عدم موجودیت حزب پیشرو و پیشتاز انقلابی بود که مبارزه، تصامیم و سازماندهی منظم نداشتند. موجودیت حزب پیشرو و مترقی میتوانست برنامه سیاسی پیروزی و رهبری قیام را دقیقاً طرح و تطبیق برنامه ساختار اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه را مدبرانه تنظیم و به پیش ببرد و درج صفحات زیرین زنده گی بشریت عدالت پسند، مترقی خواه و دموکرات نماید.

از طرفی هم اگر آن خلقهای رزمنده تجربه قبلی از چنین رویداد تاریخی را با خود میداشتند و درسی از تاریخ جلو نظر شان قرار میداشت ابداً به چنین شکست فاجعه بار مواجه نمی گردیدند. مگر این شکست منحیث یک واقعه تاریخی برای بشریت و ملیونها انسان زحمتکش و تحت ستم جهان بازم درس بزرگ

انقلابی و مبارزه بود که همه جوامع زحمتکشان جهان را هوشدار و آگاهی داد تا بدون حزب انقلابی و پیشرو با داشتن برنامه واقعاً انقلابی که خواست های زنده گی شان را منعکس کند و اراده خود شان عملاً در آن دخیل باشد تا تمام روند ها و پروسه بعدی تحولات و ساختن جامعه عادلانه را برای همه مردم جهان رهنمود شده و بتوانند بعد از گرفتن قدرت سیاسی امور، رسالت بعدی را بهتر سازماندهی و رهبری نمایند و پلانهای مطروحه را پیهم مؤفّقانه تحقق بخشند. در غیر آن پیروزی های نهایی ممکن و میسر نخواهد بود.

اهمیت و موقف این نخستین انقلاب در تاریخ چی بود؟

- اینکه انقلاب رابه مفهوم علمی آن تعریف و بیان کرد یعنی به وجود آوردن تغییرات بُنیادی و کیفی در ساختار نظام، رژیم و حاکمیت دولت، که برای همیشه رژیم شاهی را در جامعه فرانسه از قدرت و حاکمیت برداشته، سیستم جدید رهبری جمعی نظام و حاکمیت را جاگزین کرده و به ارمغان آورد.

- شکل عملی پیروزی انقلاب را که یک واقعیت عینی در تاریخ مبارزه خلقهای زحمتکش و محروم جهان غرض حصول حقوق و خواستههای زنده گی شان میباشد بیان نموده و هم مردم جهان را متیقن به پیروزی انقلاب در جوامع مختلف ساخت.

- اینکه خود اولین رهگشای انقلاب توده یی و مردمی در تاریخ زنده گی بشر است و مثال برجسته بوده است.

- قابل تذکر است که در جهت سقوط و سرکوب این نخستین جنبش مردمی و اولین انقلاب و نظم جدید توده های زحمتکش، ارتجاع داخلی و بین المللی، اشراف و اعیان یکجا با حلقه های روحانیون و کشورهای همسایه و رو به رشد سرمایه داری آن زمان، دست به دست هم دادند و این نظام جدید را سرنگون و سرکوب کردند. ادامه دارد

19.10.2008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)

